

صدور اندیشه انقلاب؛ تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بر مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی

جلال درخشه^۱

صادق زینالی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۰

فصلنامه آفاق امنیت / سال دهم / شماره سی و ششم - پاییز ۱۳۹۶

چکیده

ظهور پدیده اسلام‌گرایی در چند دهه اخیر در واکنش به عقب‌ماندگی جهان اسلام در قیاس با غرب شکل گرفت. در این میان یکی از مهم‌ترین توجهات اسلام‌گرایان، مسئله حکومت مطلوب و الگوهای نظری و عملی آن است. این دغدغه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نمود بارزتری یافته است. یکی از کشورهایی که در آن اسلام‌گرایان، از انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) تأثیر زیادی پذیرفتند، کشور تونس است. در این کشور، جنبش اسلام‌گرای النهضة و رهبر آن، شیخ‌راشد الغنوشی، از دهه شصت میلادی با دیکتاتوری حاکم در تونس در حال مبارزه بودند که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و آشنایی غنوشی با اندیشه‌های امام خمینی (ره)، روند جدیدی در اندیشه و عمل سیاسی جریان النهضة و رهبری آن در باب حکومت مطلوب به وجود آمد. باتوجه به اهمیت موضوع، این مقاله به این پرسش می‌پردازد که مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی، کدامین تأثیرات را از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) پذیرفته است؟ مقاله به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، از نظریه پخش بهره‌گیری کرده است. یافته‌ها بیانگر آن است که حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی غنوشی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحت تأثیر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) دچار تحول مفهومی شده است؛ به‌طوری که در دهه شصت و هفتاد میلادی عمدتاً به دنبال مردم‌سالاری مبتنی بر احکام اسلامی است، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دنبال اسلام به‌مثابه برنامه مشخص اجتماعی برای حکومت‌داری است. مهم‌ترین تأثیر اندیشه امام خمینی (ره)، ارائه چهارچوبی جدید برای پیگیری مبارزات اجتماعی در تونس براساس آموزه‌های قرآنی است و تأثیر اصلی انقلاب اسلامی ایران بر نهضت اسلامی تونس، آشنایی با ابعاد اجتماعی و سیاسی مبارزه برضد استبداد و استعمار می‌باشد.

واژگان کلیدی: حکومت مطلوب، راشد الغنوشی، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، تونس، مردم‌سالاری.

^۱ . استناد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).

^۲ . پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع) و دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹م)، موج جدیدی از اسلام‌گرایی در جهان اسلام، خاصه کشورهای غرب آسیا و شمال افریقا آغاز شد و بسیاری از متفکران و رهبران جریان‌های اسلام‌گرا تحت تأثیر امواج این انقلاب مردمی و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره) قرار گرفتند و تبلور حکومت مطلوب و آرمانی خود را که سال‌ها در کشور خود به دنبال آن می‌گشتند، در ایران مشاهده کردند.

یکی از کشورهایی که در آن اسلام‌گرایان از انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) تأثیر بسیاری پذیرفتند کشور تونس است. در این کشور، جنبش اسلام‌گرای النهضه و رهبر آن، شیخ‌راشد الغنوشی، از دههٔ شصت میلادی به مدت سه دهه با دیکتاتوری حبیب بورقوبه در حال مبارزه بودند و پس از سقوط بورقوبه در سال ۱۹۸۷ و جای‌گزینی بن علی، این روند با فرازوفرودهایی تا سال ۲۰۱۱ میلادی و آغاز موج جدید بیداری اسلامی در تونس ادامه یافت. در واقع فروپاشی نظام سکولار بورقوبه و بن علی و قرار گرفتن تونس در مرحلهٔ استقرار نظام سیاسی جدید، مجالش شد برای عرضهٔ اندیشه‌های سیاسی موجود در جامعهٔ تونس. در این میان، اندیشهٔ اسلام‌گرایان و اسلام سیاسی با عنایت به مطالبات اسلامی عامهٔ مردم، از اهمیت خاصی برخوردار شد. از گروه‌های اسلام‌گرای تونس، جنبش النهضه جایگاه ویژهٔ خود را داشته و دارد. این جنبش ریشه در دهه‌های گذشته و حکومت حاکمان سابق تونس و طرز حکومت و روش‌های حکمرانی این حاکمان دارد (ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۱۶) که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و آشنایی غنوشی با اندیشه‌های امام خمینی(ره)، روند جدیدی در اندیشه و عمل سیاسی جنبش النهضه و رهبری آن در باب حکومت مطلوب به وجود آمد.

باتوجه به اهمیت موضوع، این مقاله به این پرسش می‌پردازد که مفهوم حکومت مطلوب در اندیشهٔ سیاسی راشد الغنوشی، کدامین تأثیرات را از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی(ره) پذیرفته است؟ این مقاله به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، با بهره‌گیری از نظریهٔ پخش، این فرضیه را مورد آزمون قرار داده است: «حکومت مطلوب در اندیشهٔ سیاسی غنوشی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحت تأثیر اندیشهٔ سیاسی امام خمینی(ره) دچار تحول مفهومی شده است؛ به طوری که در دههٔ شصت و هفتاد میلادی عمدتاً به دنبال مردم‌سالاری مبتنی بر احکام اسلامی است، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دنبال اسلام به‌مثابه برنامهٔ مشخص اجتماعی برای حکومت‌داری است.»



حکومت مطلوب

باتوجه به آنکه پرسش اصلی مقاله حول مفهوم «حکومت مطلوب» است، ابتدا ضرورت دارد مبانی این مفهوم مورد واکاوی قرار گیرد. یکی از بنیانی‌ترین پرسش‌هایی که در فلسفهٔ سیاسی از آغاز پیدایش تاکنون مطرح شده است و هریک از فلاسفه و اندیشمندان بزرگ سعی کرده‌اند به نحوی به پاسخ‌گویی آن بپردازند این پرسش است که حکومت مطلوب برای اداره و رهبری جوامع انسانی، چه نوع حکومتی است. در این میان برخی اندیشمندان به بررسی نوع و محتوای حکومت پرداخته‌اند. فی‌الواقع، در باب حکومت و دولت همواره میان فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی دو پرسش بسیار مهم مطرح بوده است: ۱. حکومت هدف است یا وسیله؟ ۲. آرمان و هدف حکومت چیست؟

یکی از پرسش‌های شایع در این حوزه، هدف یا وسیله بودن دولت و حکومت است. برخی ایدئالیست‌ها دولت را هدفی واحد فوق مردم و فرد می‌دانستند و برخی دیگر از مکاتب و اندیشمندان سیاسی، دولت و حکومت را وسیله‌ای برای عمل به برخی اهداف مدنظر جامعهٔ انسانی به‌شمار می‌آوردند و ارزش ذاتی را مختص فرد می‌دانستند و دولت را ابزاری مکانیکی و مصنوع دست بشر برای دستیابی به اهداف خویش می‌شمردند.

توجه به موضوعات فوق، موجب تولید واژگانی چون «حکومت مطلوب»، «حکومت آرمانی و غایی»، و در چند دههٔ اخیر، «حکمرانی مطلوب» شده است. «مطلوب» از نظر لغوی، به معانی مختلف از جمله طلب کرده‌شده، بسته‌شده، خواسته، آرزوشده، خوشایند و دل‌پسند آمده است (معین، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۰۳).

نظریه‌های اندیشمندان سیاسی از قرون اولیه تا قرون میانه درزمینهٔ دولت و حکومت، نشان از نگاه ایدئالیستی به جای نگاه واقع‌نگر به مسئلهٔ حکومت و دولت دارد؛ آن‌چنان‌که بیشتر اندیشمندان با ترسیم اتوپایی از جامعه و دولت، به طراحی الگوهای آرمانی پرداخته‌اند که دستیابی به آن امکان‌پذیر نبوده است. پس از قرون میانه و با آغاز جنبش رنسانس، شاهد تئوری‌هایی درزمینهٔ حکومت و دولت هستیم که نتیجهٔ آن، شکل‌گیری دولت و حکومت‌هایی با الگو و اهداف خاص بوده است (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۳۴).

افلاطون نخستین فیلسوف و معمار اندیشهٔ سیاسی در غرب است که حکومت مطلوب را حکومتی می‌داند که از آن فلسفه و حکمت باشد و در رأس آن حکیمان



و فیلسوفان باشند (افلاطون، ۱۳۶۸: ۳۱۵). ارسطو نیز در بیان بهترین نوع حکومت یا حکومت مطلوب، پس از بررسی انواع حکومت‌ها و تقسیم‌بندی آنها براساس معیار، هدف و تعدد زمامداران و گزینش، سه نوع مطلوب و بهترین و مطلوب‌ترین نوع حکومت را معرفی می‌کند و مطلوب‌ترین آن را «حکومت پلیتی» می‌داند و آن «حکومت مبتنی بر قانون اساسی است» که «پروای قید و صلاح همگان را دارد و به دست اکثریت اداره می‌شود» (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۱۹).

از دیگر فلاسفه‌ای که به بحث حکومت مطلوب پرداخته، می‌توان به ژان بدن اشاره کرد که در کتاب جمهوری یا شش کتاب درباره دولت بحث‌های عمیقی درباره حاکمیت و انواع حکومت و بهترین نوع حکومت ارائه کرده است. او پادشاهی اشرافی را می‌پسندید (عالم، ۱۳۹۰: ۱۶۰). علاوه بر این، در اندیشه سیاسی غرب مفهوم عدالت گاهی جنبه دینی می‌یابد و از نظام کلیسایی تبعیت می‌کند. جامعه‌ای که اگوستین آن را شهر خدا می‌نامد هدفش در دنیا تحقق بخشیدن به دو مطلوب بزرگ انسانی یعنی «صلح» و «عدالت» است (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

در میان فلاسفه اسلامی نیز فارابی، خواجه‌نصیرالدین طوسی و ملاصدرا به بحث درباره حکومت مطلوب پرداخته‌اند. فارابی مدینه فاضله را چنین تعریف می‌کند:

مدینه فاضله شبیه به بدن آدم است؛ بدنی که کامل و صحیح باشد و همه اعضای مختلفه آن برای تتمیم حیات حیوانی و حفظ آن، کار خود را به نحو درستی انجام دهند و همچنان که اعضای بدنی را یکی بر دیگری برتری است و آن را قلبی است که بر همه اعضا ریاست دارد، همچنین در مدینه کسی است که بر دیگران ریاست کند و کسان دیگری هستند که مقام و مرتبه ایشان نزدیک به مقام و مرتبه رئیس است و همچنان که بعضی از اعضای بدن خادم بعضی دیگر است... رئیس مدینه، هم معلم است و هم مرشد و هم مدبر؛ زیرا هر مردمی را از فطرت‌های گوناگون است و همه این‌گونه نیستند که از جانب خود فطرتاً سعادت را بشناسند؛ کسانی همواره نیازمند به معلم و راهبرند (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۱).

خواجه‌نصیر طوسی هم مدینه فاضله (مطلوب) خود را این‌گونه ترسیم می‌کند: اجتماع افرادی است که همه آنها عزم و اهدافشان بر فراهم آوردن خیرات و استفاده از آنهاست. اینان، افعال و رفتار خود را همان‌گونه انجام می‌دهند که عزم بر آنها داشتند؛ یعنی با فعل و رفتار خود، خیری را تحصیل می‌کنند و هرآنچه را که مقابل خیرات (شور) باشد، ترک می‌کنند. از آنجاکه خیرات از خیر



مطلق سرچشمه می‌گیرد و خیر مطلق واحد است، چنین مدینه‌ای واحد است و تعددپذیر نیست. افراد این اجتماع نیز به جهت آنکه همگی عزمشان بر تحصیل خیرات است، در دو امر اساسی، یکی در «آرا» و دیگری در «افعال»، اشتراک دارند (یوسفی راد، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

در اندیشه ملاصدرا حکومت مطلوب، حکومتی با کارویژه‌های دینی است؛ اینکه انتظار مسلمانان و به‌ویژه شیعیان از حکومت چیست؟ آیا حکومت‌های غیردینی این انتظار را برآورده نمی‌سازند؟ به‌عبارت‌دیگر، حکومت دینی چه اقداماتی انجام می‌دهد که حکومت‌های غیردینی به آن اهتمام نمی‌ورزند؟ اساسی‌ترین انتظار از حکومت دینی و مهم‌ترین وظیفه آن، اجرای قوانین خدایی می‌باشد. کارویژه حکومت دینی که حکومت غیردینی از عهده انجام آن بر نمی‌آید اجرای قوانین خدایی می‌باشد. کارویژه حکومت دینی که حکومت غیردینی از عهده انجام آن بر نمی‌آید، وگرنه دینی خواهد بود، همین است. قانون که در حکومت‌های غیردینی امری بشری است، در حکومت دینی امری فرابشری و الهی است و انسان‌ها در محدوده مباحات می‌توانند قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند (لکزایی، ۱۳۹۰: ۸۵).

درمجموع باید گفت «حکومت مطلوب» در هریک از ادبیات گفته‌شده، ناظر به آرمان‌ها و اهداف مطلوب و موردانتظار از حکومت است که افراد یا گروه‌ها به لحاظ نظری و عملی به دنبال آن هستند. در این مقاله نیز حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی با عنایت به مبانی مفهومی بالا، مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

نظریه پخش

از نظریه‌های رایج در خصوص توضیح چگونگی انتشار و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها، نظریه پخش (diffusion) است که در سال ۱۹۵۳ از سوی تورستن هاگراستراند جغرافی‌دان سوئدی ابداع و عرضه شد. درواقع تئوری انتشار فضایی توسط وی ابتدا در سال ۱۹۵۳ مطرح شد. سپس در سال ۱۹۶۸ و در کتاب انتشار فضایی فرایند نوآوری که در سوئد انتشار یافت، اصول تازه آن مطرح شد و بسط یافت (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲).

هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز از آن بهره برده‌اند؛ چراکه این نظریه، قدرت تبیین و توصیف هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش،

مسیرها و مجاری پخش آن و هم علل توقف آن، علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۶: ۴۱-۳۹).

۱. عناصر پخش

هاگراستراند، شش عامل اصلی را در فرایند پخش مؤثر می‌داند: اولین عامل، حوزه یا محیطی است که در آن فرایند پخش ظاهر می‌شود؛ عامل دوم، زمان است که ممکن است به صورت مداوم درآید یا دوره‌های جداازهم داشته باشد؛ عامل سوم، موضوع پخش، نظیر پیام‌ها و رفتارهای جامعه است؛ چهارمین عامل، مبدأ پخش، یعنی خاستگاه نوآوری‌هاست؛ مقصد پخش عنصر بعدی در فرایند پخش است؛ مسیر حرکت پدیده‌ها، موضوع پخش تحت شرایطی است که در مسیرهای ویژه‌ای جریان می‌یابد تا به مقصد برسد (شکویی، ۱۳۸۳: ۳۰۶-۳۰۵).

۲. انواع پخش

الف) پخش جابه‌جایی: پخش جابه‌جایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند، و از این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مثلاً مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی گسترش یافته‌اند.

ب) پخش سلسله‌مراتبی: در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. پ) پخش سرایتی یا واگیردار: در این نوع پخش گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

مؤلفه‌های نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) در تونس

۱. مبدأ پخش نوآوری فرهنگی و سیاسی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷، ایران و انقلاب اسلامی ایران با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه و شروع تفکر ام‌القری بودن ایران برای جهان اسلام، کانون پخش و



تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند (نجاتی، ۱۳۹۰: ۱-۲).

این تأثیرگذاری ناشی از قدرت سلبی یا نفی‌کنندگی انقلاب و گسترش این باور بود که «آیت‌الله» باید درست عمل کرده باشد که توانسته است شاه را با تمام قدرتش و حمایت امریکا، سرنگون کند. از نظر آنان، امام خمینی (ره) به دلیل موفقیتش، الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است (فولر، ۱۳۷۳: ۹۳-۱۰۰). در واقع، انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدای شکل‌گیری خود اهداف، آرمان‌ها و شعارهایی جهانی داشت که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) تبلور یافت و به همین دلیل نیز از همان آغاز شکل‌گیری و پیروزی این انقلاب، دشمنی‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی با آن شروع شد.

۲. مقصد پخش

درباره مقصد و محیط پخش، توجه به پذیرا یا ناپذیرا بودن محیط مهم است. منظور از محیط پذیرا تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، محیطی است که به دلیل اختلافات و تفاوت‌های عمده با مبدأ پخش، امکان تأثیرپذیری اندکی از مبدأ پخش دارد. این تفاوت‌ها و اختلافات ممکن است تفاوت‌ها و اختلافات مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی باشد. در مقابل، محیط پذیرا دارای ویژگی‌ها و شرایطی است که با ویژگی‌ها و شرایط مبدأ پخش بسیار شباهت دارد و از این رو، این ظرفیت را دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مساعد، از مبدأ پخش تأثیرات عمیقی بپذیرد. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شود (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۹).

تونس به‌عنوان کشور واقع در منطقه شمال آفریقا با اکثریت مسلمان، در سال ۱۹۶۵ میلادی از استعمار فرانسه استقلال یافت و پس از آن «حبیب بورقیبه» حکومت این کشور را به دست گرفت. حبیب بورقیبه حاکم و رئیس‌جمهور مادام‌العمر این کشور آفریقایی، پس از ۳۱ سال دیکتاتوری، در سال ۱۹۸۷ به دست «زین‌العابدین بن علی»، ژنرال عالی‌رتبه ارتش سرنگون شد. حکومت سکولار ژنرال نیز پس از ۲۳ سال در ژانویه ۲۰۱۱ میلادی (۲۴ دی ۱۳۸۹) بر اثر اعتراضات عمومی واژگون شد.

حیب بورقیبه با ایدئولوژی ناسیونالیستی و بهره‌گیری از الگوی آتاترک در به حاشیه راندن مخالفان و مبارزان دینی در تونس، از طریق وارد کردن آنها به روند اصلاحات اداری، و ارائه اصلاحات الهام‌گرفته از اروپا به جامعه می‌خواست تونس را سکولار کند (ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰).

در طول دهه شصت و هفتاد سیاست‌های دولت موجب تغییر روند سبک زندگی مردم شد؛ به‌گونه‌ای که میل به مصرف، سودجویی و سود آنی روندی رو به گسترش داشت. در این وضعیت وابستگی شدید اقتصادی و از میان رفتن کشاورزی و مهاجرت روستاییان به شهرها، موجب فقر و شکاف طبقاتی روبه‌تزايد در جامعه تونس شد و این بحران جدی که ریشه در اختلاف طبقاتی، شکاف‌های اجتماعی و بستر تاریخی، فرهنگی و مذهبی داشت، زمینه را برای شکل‌گیری پایگاهی اساسی برای رشد جنبش اسلامی تونس پس از دو دهه سکوت فراهم کرد (همان: ۲۳-۲۵).

درحقیقت جنبش‌های اسلام‌گرای تونس به‌نوعی ریشه در مواجهه با ایدئولوژی «بورقیبه» ذیل شعار جنبش آزادی‌بخش ملی و سنت‌گرایی دینی نهاد زیتونیه در اواخر دهه ۱۹۵۰ دارد. به‌عبارتی تاریخ جنبش اسلامی در تونس، تاریخ موازی یا متضاد بورقیبه یا در چهارچوبی بزرگ‌تر خود غرب است (همان: ۱۱).

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حرکت اسلامی در دوران معاصر کشور تونس، گروه اسلامی النهضه است. النهضه که نام اول آن «حرکه الاتجاه الاسلامی» یا «جنبش گرایش اسلامی» بود، ابتدا توسط گروهی نسبتاً بزرگ و نیمه‌فعال از جوانان، روشن‌فکران، بورژواها، فرزندان زمین‌داران و بازرگانان از اهل سنت با میزان پیکارجویی بالا شکل گرفت و رهبری فرهمندان این جنبش را «راشد الغنوشی» و «مورو» در سال ۱۹۷۰ به عهده گرفتند. در باور این رهبران، ازجمله شیخ‌راشد الغنوشی، پدیده اسلام‌گرایی پیش از نوگرایی متشکل از این عوامل است: نخست، تدین سنتی تونس که مذهب سنی مالکی و عقاید اشعری و تربیت صوفیانه بر آن غالب است؛ دوم، گفتمان سلفی اخوان‌المسلمین که از شرق عربی وارد این کشور شده بود؛ سوم، جریان عقلانی اسلامی که در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ ظهور یافت (سخاوتی، ۱۳۸۹).

درمجموع، النهضه طی چند دهه اخیر، به جهت عواملی مانند ثبات و سازمان‌دهی منسجم‌تر، رهبران برجسته‌تر، رویکرد میانه‌رو، الگوی نظم فرمانطقه‌ای آن (اخوان) و در نتیجه، قابلیت و توان بالقوه برای ائتلاف با سایر احزاب سیاسی (در صورت لزوم)، از بیشترین قابلیت برای مطرح شدن به‌عنوان فراگیرترین جنبش اسلامی در تونس



برخوردار است. لذا باتوجه به میزان بالای تأثیرات جنبش النهضه در سپهر سیاسی و اجتماعی تونس در چند دهه اخیر، در قسمت بعدی به شناخت عمیق تر و تبیین آرا و اندیشه‌های سیاسی رهبر این جنبش، راشد الغنوشی، می‌پردازیم.

۳. زمان پخش

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی به‌طور کلی و بر تونس به‌طور خاص، از همان زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز شد. در واقع می‌توان گفت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران، با تولد خود انقلاب متولد شد. از سوی دیگر باید به این نکته نیز اشاره کرد که پخش و سرایت یک پدیده، از مبدأ پخش به مقصد پخش ممکن است مدت‌ها به طول بینجامد. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی، امری پایدار و دائمی بوده است. به عبارت دیگر، این تأثیرگذاری از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان حاضر ادامه داشته است. البته به‌رغم تأثیر مداوم انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، این تأثیرگذاری دارای فرازونشیب بوده است؛ به این معنا که با سرعت و قدرت یکسانی اثرگذار نبوده است.

موضوع پخش

براساس مسئله اصلی مقاله، یعنی مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی، در این بخش تأثیرات انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) بر موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش از آن، ضروری است ابتدا نظام اندیشه‌ای راشد غنوشی به‌طور مختصر مورد بررسی قرار گیرد و سپس براساس نظریه پخش، تأثیر انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره) بر اندیشه غنوشی تبیین خواهد شد.

اندیشه سیاسی راشد الغنوشی

الغنوشی نمایانگر خط فکری متمایز در صحنه حرکت اسلامی معاصر است. این خط، در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات وی مندرج در مجله تونس‌ی المعرفة و تعدادی از مجلات دیگر عربی و در سخنان وی در سمینارها و کنفرانس‌های متعدد تجلی می‌یابد. مهم‌ترین کتاب‌های الغنوشی در زمینه اندیشه سیاسی عبارت‌اند از: مبادئ الحكم و السلطة فی الاسلام (۲۰۰۱)، آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی (۱۹۹۳)، ديمقراسی و حقوق انسان در اسلام (۲۰۱۲). درحقیقت چکیده مواضع جنبش اسلامی تونس و رهبر

آن به اصول اساسی حکومت اسلامی قدرت سیاسی و آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی، هم از بُعد تاریخی و هم از حیث برنامه آینده‌شان برای چنین دولتی است. همچنین مقالات وی در کتابی به نام مقالات جمع‌آوری شده و در ۱۹۸۲ میلادی در پاریس توسط مؤسسه انتشاراتی دار الکروان به چاپ رسیده است. محوریت جنبش النهضة تونس شخصیت راشد الغنوشی و نظرهای وی است و یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تفکری غنوشی، اعتقاد وی به جامعیت شریعت اسلامی برای اداره زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه بود. تلاش غنوشی در چهارچوبی هدفمند و دغدغه‌مند برای تدوین چنین نظامی است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). در قسمت بعدی به بررسی سپهر اندیشه سیاسی الغنوشی درباره حکومت می‌پردازیم.

حکومت در اسلام

از دیدگاه غنوشی، اسلام دین فراگیر و نظام کاملی برای زندگی است و در همه جوانب حیات دارای برنامه است و بنیان‌گذاری اجتماع و اداره جامعه و سیاست‌گذاری را نیز شامل می‌شود، و برای اینها در اسلام اصول و ضوابطی وجود دارد. سیاست‌داری اسلام، تنها واقعیت تاریخی نیست، بلکه پایه‌های آن بر تعالیم قرآن و سنت استوار است. قرآن می‌فرماید: «و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل فرمود حکم دآوری نکرده‌اند، آنان کافران‌اند... ستمگران‌اند... تبهکاران‌اند» (مائده: ۴۷-۴۴) (علیخانی، ۱۳۸۲: ۶۵). ضرورت حکومت در اسلام نیز دارای اساس منطقی است؛ چون دین در همه ابعاد و در همه موارد نظم را توصیه می‌کند و رعایت نظم در این مواقع را امر دینی می‌داند. پس اداره جامعه در این راستا در صدر اهتمام دین قرار می‌گیرد. همچنین دین اسلام دارای دسته‌ای از احکام مانند حدود و دیات و قصاص است که عمل به آنها بر جامعه اسلامی واجب است، ولی اجرای آنها بدون حکومت و نظام ممکن نیست. پس براساس قاعده «هرآنچه بدون آن، ادای واجب ممکن نیست واجب است»، ایجاد حکومت برای اجرای احکام و اداره جامعه واجب است (الغنوشی، ۲۰۰۱م: ۵).

منشأ مشروعیت در حکومت اسلامی

غنوشی معتقد است که دولت اسلامی از دو منبع مشروعیت می‌گیرد: منبع اول شریعت است. تا آنجا که به مرجع قانونی ارزشی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های دولت مربوط می‌شود، باید همه سیاست‌گذاری‌های دولت اسلامی مطابق شریعت



باشد. قرآن می‌فرماید: «پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده است حکم کن» (مائده: ۴۸)؛ «و پس هرگاه در امری دینی اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید، آن را به کتاب خدا و سنت پیامبر او عرضه بدارید» (نساء: ۵۹). بنابراین در صورت مخالفت دولت اسلامی با این اصول، خروج برضد آن و براندازی آن جایز می‌شود؛ چه قرآن می‌فرماید: «کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده است داوری نکرده‌اند، آنان خود کافرند» (مائده: ۴۴). بدین ترتیب دولت اسلامی، دولت قانون شرعی است که تخلف از این قانون، مشروعیت دولت را از بین می‌برد. همین امر این ادعا را که دولت اسلامی، دولت استبدادی مطلقه است باطل می‌سازد. هرچند بسیاری از حکومت‌های اسلامی در تاریخ استبدادی بوده‌اند، استبداد آنها هرگز ریشه در اسلام نداشته، بلکه برداشت نادرست یا بهره‌جویی از اسلام بوده است (الغنوشی، ۲۰۰۱م: ۳)؛ منبع دوم مشروعیت، شورا است که به نص صریح واجب شده و براساس آن، حاکم مسلمان ملزم به شنیدن مشورت‌ها و نظرهای مردم و نمایندگان مردم و پایبند ماندن به آنهاست. غنوشی منشأ و منبع قدرت را کاملاً از آن مردم می‌داند و بر این نظر است که «در دولت و نظام اسلامی منبع قدرت، مردم‌اند و مشروعیت دولت از طریق انتخابات به دست می‌آید» (همان: ۸).

نقش مردم در حکومت اسلامی

غنوشی در زمینه حکومت و حکومت‌داری اهمیت و نقش بسیاری برای مردم قائل است و آرای مردم را معیار مشروعیت می‌داند و بر این عقیده است که مردم بعد از خدا، از حاکمیت برتر در جامعه برخوردارند و هیچ‌کس حق ندارد ولیّ و وصی آنها باشد؛ چه آنان نه طفل‌اند و نه سفیه، بلکه جانشین خدا روی زمین‌اند. غنوشی حکومت را قرارداد می‌داند و معتقد است حکومت اسلامی براساس عقد قرارداد بین جامعه و رهبران و مسئولان جامعه بنا می‌شود. مقتضای این عقد هم این است که مسئولان باید برای پیاده کردن احکام شرع بکوشند و این کار را تحت نظارت مردم و نمایندگان مردم انجام دهند و در برپایی عدالت و شورا دریغ نکنند و آن را نصب‌العین قرار دهند. اینجاست که حکومت اسلامی، حکومت قانون است؛ به این معنا که قانون شرع فوق همه است و دستگاه حاکم از آن مستثنا نیست (الغنوشی، ۲۰۱۲م: ۲۸).

از دیدگاه غنوشی، حاکمیت مفهوم اختلافی با قابلیت تفسیرهای گوناگون است. تفسیری که وی از حاکمیت ارائه می‌دهد، این است که حاکمیت یعنی خداوند حاکم

مطلق و برتر است و هیچ قدرتی بالاتر از قدرت او نیست و قدرت و توانایی و صلاحیت اشخاص دیگر چه حقیقی و چه حقوقی نسبی بوده و فرعی از اصل حاکمیت خداوند است. پس مردم حق و امکان و توان اجتهاد را دارند، ولی در اجتهادشان ملزم به رعایت چهارچوب حاکمیت مطلق خداوندند؛ کمالینکه می‌توانیم حرکت تجدیدی و رشد جسمی داشته باشیم، ولی همه اینها داخل چهارچوب قانون طبیعی صورت می‌گیرد (همان: ۳۰).

بدین ترتیب، از نظر غنوشی، اسلام با تأکید بر توحید، خلیفه‌اللهی انسان، شورا و اجتماع، هیچ جایی برای دیکتاتوری باقی نمی‌گذارد و راه را برای استفاده از همه میراث‌ها و دستاوردهای انسانی هموار می‌کند. مسلمانان دیروزی و امروزی بر این نکته تأکید داشته و دارند که مشروعیت حکومت از طریق کسب آزادانه آرای مردم (بیعت) حاصل می‌شود. در این بیعت حکمرانان و دولتمردان با مردم عهد می‌بندند که مطابق شرع رفتار کنند و شورا و اجماع و نظر مردم را محترم شمارند و در مقابل اطاعت مردم، عدالت را در جامعه بر پا دارند (علیخانی، ۱۳۸۲: ۷۶).

مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی غنوشی

پس از شناخت مختصر سپهر اندیشه سیاسی غنوشی، همان‌گونه که در بخش پیشین تبیین شد، محیط اجتماعی و سیاسی با اندیشه سیاسی متفکر در تعامل است. در این مقاله به‌منظور شناخت و فهم عمیق‌تر مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد غنوشی، ابتدا به بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی تونس و آثار راشد الغنوشی طی چند دهه اخیر پرداخته شد که در آن دو مقطع زمانی دارای اهمیت ویژه است: دهه شصت و هفتاد میلادی که در آن حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در تونس در واکنش به سیاست‌های ضددینی بورق‌بیه آغاز و حرکت اتجاه الاسلامی توسط غنوشی تأسیس شد؛ وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تأثیرات عمیق اندیشه امام خمینی (ره) در اندیشه غنوشی و حرکت النهضه.

در مجموع با رویکرد تطبیقی، بررسی آثار الغنوشی طی این دو مقطع نشانگر آن است که تحولی جدی در نگاه الغنوشی و النهضه در هریک از مقاطع درباره مفهوم حکومت مطلوب روی داده است. در ادامه به تبیین بیشتر این موضوع می‌پردازیم.



۱. آغاز جنبش اسلامی در تونس پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

از میان عواملی که سبب شد زمینه حرکت‌های اسلامی در تونس بعد از استقلال این کشور از فرانسه شکل بگیرد، باید به عملکرد آقای حبیب بورقیبه به‌عنوان اولین رئیس دولت پس از استقلال تونس اشاره کرد. او که کارکردی بسیار نابسامان، ضدارزش و دور از هنجارهای اجتماعی داشت، موجبات وابستگی شدید تونس به خارج از کشور و سودجویی از منابع این کشور را فراهم کرد. وی در دهه ۱۹۷۰ درحالی‌که دولت تونس از حل معضلات خود به‌شدت عاجز بود، هنوز درصدد استحكام صادرات و ارتباط با خارج و به‌ویژه پیوستن به بازار جهانی بود (احمدیان، ۱۳۹۰: ۶۵). این امر موجب شکست مدرنیزه کردن روستاها و افول کشاورزی شد. کوچ مردم از روستا به شهر، سبب فقر و گرفتاری بیشتر مردم شد. اختلافات طبقاتی و تبدیل ارزش‌های فرهنگی، باعث شکل‌گیری حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در تونس و سرخوردگی از دیگر ارزش‌های غیرواقعی شد. به‌عبارت‌دیگر عوامل مهم یادشده، موجب شکل‌گیری پایگاهی اساسی برای رشد جنبش اسلامی تونس شد (همان: ۶۶).

در چنین شرایطی بسیار طبیعی است حزب و جریانی که در معرض سرکوب قرار می‌گیرد، بیش از هر چیز بر ضرورت حاکمیت دموکراسی و آزادی تأکید ورزد. در مقابل نظام سیاسی مستبد حاکم بر تونس و رئیس آن حبیب بورقیبه که شعار توسعه را در شکل ضددینی‌اش دنبال می‌کردند و آن را دستاویز و بهانه سرکوب آزادی‌ها قرار داده بودند، جریان اسلام‌گرا به این نتیجه رسید که برای حاکمیت بخشیدن به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در این کشور، راهی جز تثبیت مردم‌سالاری و به رسمیت شناخته شدن آزادی‌های عمومی وجود ندارد. تأکید و تمرکز بر این شعار، سبب می‌شد آنان از رقبای لیبرال خود عقب‌نمانند و درعین‌حال از مزایای متمایز و متفاوت بودن اندیشه اسلامی خود برخوردار باشند. براین‌اساس اقدام شیخ‌راشد غنوشی در تألیف کتاب آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی قابل درک است (عبدالی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۳).

باتوجه‌به اثر فوق و سایر آثار مکتوب و غیرمکتوب غنوشی، می‌توان گفت حکومت مطلوب وی برای کشور تونس در دوره اول، حکومت مردم‌سالار مبتنی بر اسلام است. وی در آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی از سویی مردم‌سالاری غربی را نقد می‌کند و از سوی دیگر به جنبه‌های مختلف این حقیقت می‌پردازد که حکومت اسلامی، حکومتی است که «از همه‌نظر مدنی» باشد و در متون دینی نیز چیزی وجود ندارد که مانع بهره‌جستن از سازکارهای دموکراتیک شود و مدنی بودن جامعه و حکومت را

نفی کند (قاسمی، ۱۳۹۵، به نقل از: مرکز الاستشارات والبحوث، ۱۳۸۸: ۱۴۰).
وی در مقدمه کتاب می‌گوید:

موضوع آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی، از آغاز پیدایش جنبش اسلامی در تونس بزرگ‌ترین دل‌مشغولی من بوده است. این جنبش اسلامی از مرحله دعوت به مبادی اسلام در رویارویی با فرهنگ مسلط وارداتی (بیگانه) تا مرحله تعادل وسیع با دغدغه‌های جامعه تونسی و جامعه عرب عموماً از ده سال پیش به این سو که مهم‌ترین آنها هنوز مسئله آزادی است، تحول یافته است؛ زیرا عرضه پاسخ‌های روشن به چالش‌های فراروی اندیشه اسلامی در کشوری مانند تونس که مشارکتی فعال در غرب‌گرایی و فرهنگ داشته، ضرورتی معرفتی بود که برای جنبش اسلامی، گریزی از آن نداشت (الغنوشی، ۱۹۹۳م: ۱۷).

در خصوص چیستی مردم‌سالاری، وی دیدگاه خاصی به آن دارد که براین اساس، اختلاف و تضادی میان اسلام و مردم‌سالاری نیست. از نظر وی، مردم‌سالاری در اصل هدف و مرام است، نه فلسفه و ایدئولوژی. اگر بگوییم «مردم‌سالاری لیبرال»، یعنی به آن پسوندی اضافه کنیم یا به عبارت دیگر از زاویه مشخصی به مردم‌سالاری نگاه کنیم، مردم‌سالاری از مفهوم و هدف بودن به ایدئولوژی تبدیل می‌شود. مردم‌سالاری خود مفهومی طبیعی و عادی است و چگونه شدن و جهت‌گیری آن، به چگونه بودن تعریف و برداشت از آن بستگی دارد. بدین ترتیب وی امکان ایجاد مردم‌سالاری اسلامی را ممکن می‌سازد و آن را بهترین روش برای حکومت و بزرگ‌ترین تحفه‌ای می‌داند که عصر حاضر برای پیاده و عملی کردن مفهوم شورا به ارمغان آورده است (همان).

الغنوشی برای بهره‌وری از اصول اسلامی در پیوند با مردم‌سالاری، اصل شورا را برگزیده است. مفهوم شورا جایگاه مهمی در اندیشه او دارد و به عقیده وی بعد از نص، دومین اصل برای تشکیل حکومت اسلامی است و به همراه شریعت، مشروعیت حکومت اسلامی را تأمین می‌کند (همان: ۱۰۸).

۲. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات اندیشه امام خمینی (ره)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکست نظام استبدادی شاهنشاهی توسط مردم ایران، الهام‌بخش بسیاری از نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی در جهان شد. راشد الغنوشی در خصوص تأثیر این انقلاب و اندیشه‌های بلند امام خمینی (ره) بر نهضت اسلامی تونس می‌گوید:



در سال ۱۹۸۱ و در راستای جنبش کارگری ۱۹۷۸ آگاهی اجتماعی ما بیدار شد و آغاز به کشف این گونه ابعاد عمیق در متون اسلامی به ویژه قرآن کریم نمودیم که تفکر امام خمینی (ره) آن را زنده ساخته بود: «ونريد ان نمَنَّ على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين...». برای نخستین بار، اصطلاحی نو در قاموس ما قرار گرفت و آن اصطلاح مستضعفان در برابر مستکبران بود. همچنین، شروع به کشف متون احادیث نبوی کردیم که بر پیروزی فقرا و مستضعفان و مبارزه آنها با رفاه و استثمار تأکید می‌کرد. این مفاهیم، گفته‌هایی بود همچون حدیث «كاد الفقر ان يكونَ كفرا»، «اللهم انى اعوذ بك من الكفر والفقر» و «اللهم احيى مسكينا و امتنى مسكينا» که آنها را در قاموس فکری خود قرار دادیم و از این گونه مفاهیم، در بیانیه تأسیس حزب در سال ۱۹۸۱ استفاده کردیم؛ سالی که ولادت جنبش سیاسی (حرکت الاتجاه الاسلامی) را اعلام نمودیم. این حزب، در بیانیه خود پایبندی‌اش را به تفکر دموکراتیک و پیوستن آن به صف فقرا و کارگران در نزاعشان با سرمایه‌داری اعلام کرد (الغنوشی، ۱۳۸۹: ۱۱).

غنوشی تأثیر اصلی انقلاب اسلامی ایران بر نهضت اسلامی تونس را آشنایی با ابعاد اجتماعی و سیاسی مبارزه برضد استبداد و استعمار قلمداد می‌کند:

ما آن زمان می‌خواستیم علیه تفکر اسلامی سنتی که از مشرق آمده بود و مبارزه را در یک بُعد خلاصه می‌کرد، به پا خیزیم. آماده پذیرش ایده وجود ابعاد دیگری در مبارزه، غیر از ابعاد ایدئولوژیک مانند ابعاد سیاسی و اجتماعی بودیم. انقلاب ایران هویدا گشت تا مقولات اسلامی را به ما ارائه دهد. به کمک این مقولات، به اسلامی‌سازی بعضی از مفاهیم اجتماعی چپ پرداخته، توانستیم شمایی اسلامی از مبارزه اجتماعی ارائه دهیم. در انقلاب ایران، یک روحانی معمم را دیدیم که توانست انقلاب مستضعفین را علیه رژیم مستبد و مزدور امپریالیسم و علیه طبقه پوسیده سرمایه‌دار رهبری کند. مهم‌ترین ره‌آورد انقلاب ایران برای ما، مقوله مبارزه میان مستضعفان و مستکبران بود. این مقوله، ترجمه دیگری از مبارزه میان فقرا و اغنیا و مفهوم مبارزه طبقاتی بود؛ اما این بار در چهارچوبی کامل‌تر و با ادبیات اسلامی مطرح می‌شد (همان: ۱۲).

غنوشی در مقاله‌ای تحت عنوان «قادة الحركة الاسلامية المعاصرة»، در تاریخ جمادی‌الاول ۱۲۹۹ (آوریل ۱۹۷۹) که در مجله المعرفة، ارگان رسمی حرکت اسلامی تونس، منتشر شد، و سپس در مجموعه مقالاتش، چاپ پاریس (۱۹۸۴م) نقل کرد



که در این مقاله به ارزیابی فهرست‌وار سه گرایش عمده در حرکت اسلامی معاصر (اخوان‌المسلمین، جماعت اسلامی پاکستان و انقلاب اسلامی ایران) پرداخته، و در جمع‌بندی نهایی آن روشن می‌شود که روش امام خمینی(ره) در باروری حرکت اسلامی ایران، بر دیگر روش‌ها برتری داشته است؛ و برای پیروزی انقلاب، راهی جز این نیست (الغنوشی، ۱۳۶۹: ۱).

وی در این مقاله ویژگی‌های مشترک هر سه حرکت اسلامی در مصر، پاکستان و ایران را درک فراگیر از اسلام و پیوستگی دین و سیاست در این چهارچوب، توجه به مسئله میهن، توجه به مسئله اقتصادی و اجتماعی، رهایی از فرهنگ غرب، کمال اسلامی و قابلیت اجرایی آن، اصول‌گرایی اسلامی، توکل به خدا، مردمی بودن و سازمان‌دهی و تشکیلات منسجم ارزیابی می‌کند، ولی به نظر غنوشی در این میان شخصیت امام خمینی(ره)، به‌مثابه رهبری عقیدتی، سیاسی و انقلابی که رنج همه زحمتکشان را بر دوش دارد، جلوه می‌کند که درواقع تبلور آمال و آرزوهای همه ملت است و آنها را در مسیری روشن و درست هدایت می‌کند: سرنگونی شاه و ایجاد حکومت اسلامی (همان: ۸).

وی در مقاله‌ای دیگر، مهم‌ترین تأثیر اندیشه امام خمینی(ره) را ارائه چهارچوبی جدید برای پیگیری مبارزات اجتماعی در تونس می‌داند که براساس آموزه‌های قرآنی شکل گرفته است:

اندیشه سیاسی سید قطب در مرحله دوم سیر خویش، مبتنی بر تفسیر وی از آیات سوره مائده بود: «من لم یحکم بما انزل الله فأولئک هم الفاسقون»، و نهایتاً به تکفیر نظام‌های حاکم و حتی تکفیر مردمی که آنها را می‌پذیرفتند، رسید. انقلاب آیت‌الله خمینی، درس جدیدی از کتاب خدا به ما داد که در این آیه از سوره قصص خلاصه می‌شد: «ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمةً ونجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض ونری فرعون وهامان وجنودهما ما کانوا یحذرون». راه‌حل را در آن یافتیم. گویی اولین بار بود که این آیه به گوشمان می‌رسید. در آن، چهارچوبی برای پیگیری مبارزات اجتماعی یافتیم. این آیه در حکم کلید، دارو و نور بود؛ زیرا در باب مسئله مبارزه اجتماعی به ما بصیرتی اسلامی می‌بخشید. اسلام به مبارزه میان مستضعفان و مستکبران اذعان داشته، حامی مستضعفان است. اصولاً اسلام، انقلابی بود برای نجات مستضعفان جهان. پیامبران، تنها به هدف یاری مستضعفان بر مستکبران مبعوث شده بودند.



احساس کردیم اندیشه اسلامی تا آن زمان، آیه را نخوانده و گویی امام خمینی آن را کشف کرده بود (الغنوشی، ۱۳۸۹: ۱۴).

براین اساس، غنوشی متأثر از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، حکومت مطلوبی را به تصویر می‌کشد که دارای برنامه مشخص اجتماعی است و در برابر مستکبران داخلی و خارجی می‌ایستد:

این‌گونه بود که علاقه به انقلاب ایران شدت گرفت و مطبوعات ما عکس آیت‌الله خمینی را منتشر می‌کرد. روح جدیدی در دروس ما دمیده شد؛ روحی انقلابی که از اتحادیه‌ها حمایت می‌کرد، طرفدار فقرا بود، به رفاه‌طلبان حمله می‌کرد. همچنین به روابط خارجی تونس که ذلیلانه پیرو امپریالیزم بود، یورش می‌آوردیم. از آن به بعد، نقد ما از دولت صرفاً اخلاقی-دینی نبود، تکفیری هم نبود و اینکه دولت براساس آنچه خدا نازل کرده حکومت نمی‌کند؛ یعنی مقید به احکام شریعت نیست؛ بلکه نقد ما از دولت عمیق‌تر شد. شکاف میان ما وسیع‌تر شد. مبارزه با دولت، بُعدی فرهنگی یافت؛ اینکه غرب‌زده است، به هویت اسلامی-عربی جامعه بی‌اعتناست؛ و ما مدافع این هویت و طرفدار اسلام به‌مثابه برنامه مشخص اجتماعی بودیم. حالا روزبه‌روز بر ابعاد اجتماعی افزوده می‌شد. حکومت در صف مستکبران خارجی و داخلی قرار دارد و ما در جبهه مقابل. حکومت، دیکتاتوری است و ما همراه دمکراسی. انقلاب ایران، درست در لحظه مناسب رسیده بود تا ما را به ابزارهای تحلیلی اسلامی مبارزات مجهز سازد؛ کاری که تفکر سنتی ما نتوانسته بود انجام دهد (همان).

در مجموع، انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تأثیرات شگرفی در نگاه الغنوشی به شیوه مبارزاتی برضد حکومت وقت تونس و اتخاذ رویکرد مبارزه اجتماعی و فرهنگی در این مسیر داشت و حکومت اسلامی انقلابی ضد مستکبران به‌نوعی حکومت مطلوب النهضه تلقی می‌شد. این امر سبب شد در اوایل دهه هشتاد میلادی حکومت متوجه خطر و تهدید جریان اسلام‌گرا برای مصالح سرمایه‌داری که حامی آن بود، شود. دو ماه نگذشته بود که هجمه شدید حکومت آغاز شد. رهبر و حدود پانصد تن از اعضای جنبش دستگیر شدند و جنبش به مدت حدود دو دهه به محاق رفت.

۳. اشتراک و افتراق

باتوجه به توضیحات مربوط به ترسیم مفهوم حکومت مطلوب راشد الغنوشی در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین موضوعات اندیشه‌ای دربارهٔ این مفهوم را می‌توان در موارد ذیل مقایسه کرد:

۳-۱. نسبت اسلام و سیاست

همان‌گونه که گفته شد، غنوشی در خصوص نسبت دین و سیاست قائل به این است که اسلام، کل و سیاست، جزئی از آن است و اسلام دین فراگیر و نظام کاملی برای زندگی است و در همهٔ جوانب حیات دارای برنامه است و بنیان‌گذاری اجتماع و ادارهٔ جامعه و سیاست کشورداری را نیز شامل می‌شود. هرچند اصل این دیدگاه در اندیشهٔ غنوشی ثابت ماند، به تدریج پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی(ره)، وی این دیدگاه را مطرح می‌کند که اسلام به‌مثابه یک کل به‌هم‌پیوسته شناخته می‌شود و بنابراین برداشت، عقیده و شریعت و عبادت، مجموعه‌ای متکامل و به‌هم‌پیوسته است و به همین دلیل اختلافی میان دین و سیاست و دولت نمی‌تواند وجود داشته باشد. مشکل امروز عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، دور ماندن از اسلام حقیقی است. از نتایج این بینش در اندیشهٔ غنوشی، شکل‌گیری مواضع انقلابی در برپایی جامعهٔ اسلامی براساس تشکیلاتی خاص است که پیش از غنوشی بدان چندان توجه نشده بود.

۳-۲. توسعهٔ مفهوم اسلام به‌مثابه برنامهٔ مبارزه

از دیدگاه غنوشی اسلام دینی کامل برای همهٔ ابعاد زندگی بشر است، و مهم‌ترین وظیفهٔ جنبش اسلامی در تونس را غنوشی و سایر اسلام‌گرایان تونسی در دههٔ شصت و هفتاد میلادی، دعوت به مبادی اسلام در رویارویی با فرهنگ غربی می‌دانستند؛ زیرا عرضهٔ پاسخ‌های روشن به چالش‌های فراروی اندیشهٔ اسلامی در کشوری مانند تونس که مشارکتی فعال در غرب‌گرایی و فرهنگ داشته، ضرورتی معرفتی بود که جنبش اسلامی، گریزی از آن نداشت.

اما با پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیری عمیق در این دیدگاه دربارهٔ اسلام در تونس به وجود آمد. غنوشی مهم‌ترین تأثیر اندیشهٔ امام خمینی(ره) را ارائهٔ چهارچوبی جدید برای پیگیری مبارزات اجتماعی در تونس می‌داند که براساس آموزه‌های قرآنی شکل گرفته است



و تأثیر اصلی انقلاب اسلامی ایران بر نهضت اسلامی تونس را آشنایی با ابعاد اجتماعی و سیاسی مبارزه برضد استبداد و استعمار قلمداد می‌کند (الغنوشی، ۱۳۸۹: ۱۴).

۳-۳. نقش مردم

غنوشی در دههٔ شصت و هفتاد میلادی در زمینهٔ حکومت و حکومت‌داری اهمیت و نقش بسیاری برای مردم قائل است و آرای مردم را یکی از دو معیار مشروعیت (در کنار شریعت) می‌داند و بر این عقیده است که مردم بعد از خدا، از حاکمیت برتر در جامعه برخوردارند و هیچ‌کسی حق ندارد ولیّ و وصی آنها باشد. بنابراین مردم‌سالاری اسلامی امری ممکن است و بهترین روش برای حکومت و بزرگ‌ترین تحفه‌ای است که عصر حاضر برای عملی کردن مفهوم شورا به ارمغان آورده است.

اما وی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) از مردمی مستضعف و دارای اکثریت سخن به میان می‌آورد که تحت ستم مستکبران در اقلیت‌اند. او مهم‌ترین ره‌آورد انقلاب ایران را مقولهٔ مبارزهٔ میان مستضعفان و مستکبران می‌بیند. این مقوله، ترجمهٔ دیگری از مبارزهٔ میان فقرا و اغنیا و مفهوم مبارزهٔ طبقاتی بود؛ اما این بار در چهارچوبی کامل‌تر و با ادبیات اسلامی مطرح می‌شد. بنابراین در فضای اندیشه‌ای جدید غنوشی، نقش مردم مستضعف در قالب مردم‌سالاری، کمک در شکست مستکبران و راه‌اندازی و ادارهٔ حکومتی اسلامی است.

مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشهٔ سیاسی غنوشی؛

متأثر از انقلاب اسلامی ایران و اندیشهٔ امام خمینی (ره)

مؤلفه	پیش از پیروزی انقلاب اسلامی
اسلام و سیاست	مسئله اصلی عقب ماندگی جامعه از اسلام حقیقی
نقش مردم	مردم در کنار شریعت دو رکن اصلی مشروعیت حکومت
ابعاد مبارزه	عمدتاً استبداد داخلی

انقلاب اسلامی ایران و
اندیشه امام خمینی (ره)

مؤلفه	پس از پیروزی انقلاب اسلامی
اسلام و سیاست	اسلام به‌منابه برنامه مشخص اجتماعی برای حکومت‌داری
نقش مردم	اکثریت مستضعف تحت ظلم اقلیت مستکبر
ابعاد مبارزه	مبارزه علیه استبداد و استعمار

نتیجه‌گیری

این مقاله با استفاده از نظریهٔ پخش سیر تحول مفهومی حکومت مطلوب را در اندیشهٔ سیاسی راشد غنوشی، رهبر جنبش و حزب النهضه، در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی تونس طی دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد میلادی مورد بررسی قرار داد. همان‌گونه که تشریح شد، مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی در تونس در این مدت عمدتاً استبداد، افزایش فقر و شکاف طبقاتی و دین‌ستیزی حکومت‌ها بوده است. این موضوعات باعث شد تا در دههٔ شصت و هفتاد میلادی غنوشی و برخی دیگر از مبارزان، جنبش اسلامی را در این کشور آغاز کنند و به دنبال حکومت اسلامی باشند. یافته‌های مقاله در خصوص سپهر کلان اندیشهٔ سیاسی نشان می‌دهد از دیدگاه غنوشی، اسلام دین فراگیر و نظام کاملی برای زندگی است و در همهٔ جوانب حیات دارای برنامه است و بنیان‌گذاری اجتماع و ادارهٔ جامعه و سیاست‌گذاری را نیز شامل می‌شود و برای اینها در اسلام اصول و ضوابطی وجود دارد. غنوشی اصول بنیادین حکومت اسلامی را توحید، معاد، نبوت، اعتقاد به خلیفهٔ الهی انسان، اجتهاد و شورا و نقش مردم در حکومت می‌داند. غنوشی معتقد است که دولت اسلامی از دو منبع مشروعیت می‌گیرد: منبع اول شریعت است؛ منبع دوم مشروعیت، شورا است که به نص صریح واجب شده و براساس آن، حاکم مسلمان ملزم به شنیدن مشورت‌ها و نظرهای مردم و نمایندگان مردم و پایبند ماندن به آنهاست. غنوشی در زمینهٔ حکومت و حکومت‌داری اهمیت و نقش بسیاری برای مردم قائل است و آرای مردم را معیار مشروعیت می‌داند و بر این عقیده است که مردم بعد از خدا، از حاکمیت برتر در جامعه برخوردارند و هیچ‌کس حق ندارد ولیّ و وصی آنها باشد.

همچنین در این مقاله نشان داده شد که حکومت مطلوب در اندیشهٔ سیاسی راشد الغنوشی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر اندیشهٔ امام خمینی (ره) دچار تحول مفهومی شده و پیش از آن، یعنی دورهٔ مربوط به آغاز حرکت‌های اسلامی در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در تونس، وی به دنبال نوعی مردم‌سالاری مبتنی بر احکام اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی (ره) بر جنبش اسلامی النهضه و اندیشهٔ سیاسی الغنوشی، وی به دنبال اسلام به‌مثابه برنامهٔ مشخص اجتماعی برای حکومت‌داری است. در این میان، مهم‌ترین تأثیر اندیشهٔ امام خمینی (ره)، ارائهٔ چهارچوبی جدید برای پیگیری مبارزات اجتماعی در تونس براساس آموزه‌های قرآنی است و تأثیر اصلی انقلاب اسلامی ایران بر نهضت اسلامی تونس، آشنایی با ابعاد اجتماعی و سیاسی مبارزه برضد استبداد و استعمار است.



منابع فارسی

- ابراهیم، محمد و دیگران (۱۳۸۵). جنبش اسلامی، ترجمه جواد اصغری، تهران، اندیشه‌سازان نور.
- آقابخشی، علی (۱۳۸۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
- ارسطو (۱۳۶۴). سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- افلاطون (۱۳۶۸). جمهور، ترجمه فواد روحانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، محمد (۱۳۹۰). «بازخوانی اسلام سیاسی در تونس»، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۶.
- حاتمی، محمدرضا و مرتضی بحرانی (۱۳۹۲). دائرةالمعارف جنبش‌های اسلامی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۳). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران، نشر قومس.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸). روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۰). تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا سده‌های میانه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۸۲). بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- عبادی، محسن و سارا شریعتی مزینانی (۱۳۹۳). «تحولات آرای اخوانی‌ها، از حسن البنا تا راشد الغنوشی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، س ۵، ش ۲.
- عبدالی، زانیار و ایوب خضر سوری (۱۳۹۵). «راشد الغنوشی و مردم‌سالاری دینی»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، ش ۱۲.
- علیخانی، علی‌اکبر و صابر صدیقی (۱۳۸۲). «اسلام و حکومت در اندیشه راشد الغنوشی»، مطالعات خاورمیانه، ش ۳۳.
- غلامیان، مهین (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای رویکرد بازرگان و غنوشی به دموکراسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- الغنوشی، راشد (۲۰۰۱م). مبادئ الحكم والسلطة في الاسلام، مركز الجزيرة للدراسات.
- _____ (۱۹۹۳م). الحريات العامة في الدولة الاسلاميه، مركز دراسات الوحدة العربية، بيروت لبنان.
- _____ (۱۳۸۹). «راشد الغنوشی و جنبش اسلامی تونس»، ترجمه مریم

- حیدری و حسین عباسی، پگاه حوزه، ش ۲۹۸.
- _____ (۱۳۶۰م). ال‌دیمقراطیه و حقوق الانسان فی الاسلام، مرکز الجزیره للدراسات.
- _____ (۱۳۶۹). «امام خمینی(ره) و رهبری نهضت‌های اسلامی معاصر جهان»، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، دوماهنامه کیهان اندیشه.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۱). اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران، طهوری.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۲). پراکندگی سلفیگری و وهابیت در جهان اسلام، مؤسسه مطالعات بنیان دینی، قم.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸). اندیشه‌هایی دیگر، تهران، انتشارات بعقه.
- قاسمی، بهزاد و مصطفی قاسمی (۱۳۹۵). «خوانشی از اندیشه امام خمینی(ره) و راشد الغنوشی پیرامون اسلام سیاسی»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، دوره ۶، ش ۲۰.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم.
- لک‌زایی، نجف، علی‌اکبر علیخانی و همکاران (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ج ۶.
- مارش و استوکر (۱۳۹۰). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز الاستشارات والبحوث (۱۳۸۸). رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس، ترجمه ابوالفضل تقی‌پور و صغری روستایی، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- موسوی، سیدحسین (۱۳۹۰). تحولات خاورمیانه و دلایل تشدید فشارهای امریکا علیه ایران، بنیاد اندیشه اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
- یوسفی راد، مرتضی (۱۳۷۸). «انواع مدینه‌ها در فلسفه سیاسی خواجه‌نصیرالدین طوسی»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۲، ش ۶، ص ۱۳۶-۱۵۹.
- افکار نیوز، ۴: ۱۳۹۱: ۲
- خبرگزاری تسنیم، ۱۸: ۸: ۹۳



منابع لاتین

- Freedom House (2011). *Freedom in the World 2011: The Authoritarian Challenge to Democracy*, Washington DC.
- Transparency International (2010). *Global Corruption Barometer 2010*, Berlin.
- United Nations Development Program (2009). *Human Development Report, Gender, Empowerment Measure and its Components*.



